



حاکمیت قانون

حاکمیت قانون عبارت از تطبیق یکسان قانون جهت ایجاد نظم و رعایت حقوق افراد جامعه میباشد. مکلفیت دولت است تا جهت رعایت حقوق افراد در بخشهای حقوقی و سیاسی وظایف خویش را انجام دهد. تحقق قانون یکی از وظایف دولت میباشد. دانشمندان بخشهای فلسفی، حقوقی و سیاسی در زمینه نظریات مختلف دارند. اکثر دانشمندان کشورهای غربی در زمینه حاکمیت قانون با دانشمندان بعضی کشورهای شرقی تفاوت نظر دارند و حتی بعضاً در تقابل قرار دارد، بدلیل اینکه در اکثر کشورهای شرقی دین و مذهب مانع بعضی آزادیها اتباع کشورهای متذکره گردیده و میگردد. دولتمردان باید طبق قانون بخصوص قانون اساسی در جهت رعایت حقوق اتباع عمل نمایند.

حاکمیت قانون یعنی موجود نظم و قانون در کشور، وقتی افراد جامعه در تحقق قانون مشترکاً عمل نمایند، در جامعه قانون حاکم میگردد. در حاکمیت قانون هیچ فردی بشمول شاه و یا ریس جمهور بالاتر از قانون نمیباشد. جهت تحقق حاکمیت قانون، اراده تطبیق قانون و کادرهای مسلکی ضرور است. همچنان ارگان قضایی با داشتن صلاحیت قانونی بشکل مستقل در جهت تطبیق قانون عمل نماید. در صورت تخلف مقامات حکومتی و رهبران عالی رتبه دولتی، طبق قانون مورد مواخذ قرار گیرند. یکی از مطالب عمده که مورد مطالعات رشته های فلسفه، حقوق، سیاست، اقتصاد، تاریخ و جامعه شناسی قرار گرفته است، حاکمیت قانون میباشد.

حاکمیت قانون را حقوقدانان یکی از مبانی حقوق دانسته و در جهت تحقق آن باید اقدامات جدی صورت گیرد و اقتصاددانان نیز حاکمیت قانون را جهت رشد اقتصادی جامعه حتمی و ضروری میدانند. به همین شکل دانشمندان سایر رشته ها .

دربرداشت از حاکمیت قانون، مفهوم حاکمیت قانون در پرتو نظریات مختلف، به ویژه در بخش آزادی و عدالت، مورد ارزیابی قرار گرفته و میگردد.

در بحث حاکمیت قانون طرفداران برداشت شکلی از حاکمیت قانون، ویژگیهای قانون را از نگاه عام بودن، انتشار، توجه به واضح بودن آن که اهمیتی خاص دارد، ضروری میدانند. در این برداشت اولاً ایده حاکمیت قانون مستقل از ایده دموکراسی تعریف می شود، ثانیاً اصل محوری حاکمیت قانون «برابری در مقابل قانون» و ثالثاً عام بودن قانون یکی از اساسات حاکمیت قانون تلقی می شود.

لذا با استفاده از حقوق و قواعد حقوقی نظم را در جامعه برقرار ساخت، تا حاکمیت قانون تحقق یابد. اکثر علمای دینی قانون را همان فرمان الهی می‌دانند و برای بشر استعداد قانونگذاری را قائل نیستند. حاکمیت قانون از نظر روسو و منتسکیو: معتقد اند که بر اراده‌ی عمومی استوار بوده و بر اراده‌ی فرد مقدم می‌باشد.

انقلاب کبیر فرانسه نیز خود یکی از اساسگذاران حاکمیت قانون به شمار می‌رود. و تصریح نمودند که در فرانسه اقتداری فراتر از قانون وجود ندارد، که می‌توان آن را اینگونه بیان نمود که قانون، فرد را در قبال اعمال خودسرانه حمایت می‌کند.

اعلامیه حقوق بشر حقوق شهروندی را بطور خاص (ملت) رابعنوان منشاء قدرت سیاسی دانست. حمایت از حقوق و آزادی شهروندان در مقابل خودسری‌ها و هوس بازی زمامداران منجر به حاکمیت قانون شده است. در نهایت میتوان گفت که امروز یکی از شاخص‌های اصلی نظام دموکراتیک حاکمیت قانون میباشد.

در کتاب «حاکمیت قانون...» اثر فیلسوف و اقتصاددان شهیر «هایک» که اندیشه موصوف پیوند عمیق به نظریه فلسفی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی دارد. تاریخچه حاکمیت قانون فلسفه سیاسی و اقتصادی (هایک) را به نام فلسفه آزادی گویند. هدف از آزادی عمدتاً آزادی سیاسی و مدنی فرد است. موصوف آزادی را هدف عالی سیاست میدانند. از نظر هایک آزادی شرط لازم برای تحقق نظم و تکامل در جامعه است.

هایک دموکراسی و آزادی را یکی از خصایل نظم خود جوش در جامعه مدنی میدانند. لذا افراد باید دسترسی برابر به آزادی داشته باشند که توسط قواعد قانونی تضمین میشود. از نظر هایک حکومت قانون به این معنی است که حکومت مانند هر فرد تابع قواعد قابل تنفیذ رفتار عادلانه کند.

شکلر در مقاله «نظریه سیاسی و حاکمیت قانون»، سابقه تاریخی نظریه حاکمیت قانون را از زمان ارسطو میداند. بدین ترتیب، سنت حاکمیت قانون منشعب از زمان عهد باستان است. در برخی نظرات سیاسی حاکمان بالاتر از قانون قرار داشتند چنانچه افلاطون فلاسفه را در شهر فرضی خود بالاتر از قانون میدانست.

در بخش دیگری از کتاب، مولف به بیان مسائل مختلفی پرداخته که در قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه در ارتباط با حاکمیت قانون اصل توجه در زمینه اعمال حاکمیت قانون در قوای مقننه و قضائیه است. به لحاظ تاریخی، با گسترش آموزه های دموکراسی همواره خوشبینی و اطمینان خاطر نسبت به قوه مقننه بنظر می‌خورد. بدین ترتیب که اعضای قوه مقننه منتخب مردم و طبعاً نماینده و امین مردم اند. اقدامات این نمایندگان در جهت خواسته های رای دهنده گان است و بدین ترتیب قوانین مصوب آنان نیز مطابق با اصول قابل احترام برای همگان میباشد.

محدودیت اختیارات قوه مقننه در قانونگذاری هم قابل توجه است که اصل حاکمیت قانون نیز به آن صحنه میگذارد، از جمله آزادی و احترام به حقوق بنیادین، چنانچه «هایک» نیز معتقد است که نمیتوان هر

آنچه که به وسیله پارلمان وضع شد، «قانون» خواند، بلکه قانون باید دارای ویژه گیها از قبیل عام بودن باشد که ضامن اعمال حاکمیت قانون بر پارلمان محسوب میشود. بدین اساس نمی توان هر مصوبه ای را که نمایندگان منتخب به تصویب برسانند و به سود یا زیان گروه های خاصی باشد و...قانون نامید. بنابراین قانون بعنوان تضمین برعدم نقض اصل حاکمیت قانون توسط قانونگذار واجداهمیت دانسته میشود

سوالی چگونه اعمال حاکمیت قانون در قوه مقننه (و دیگر ارکان حکومت) تضمین می شود. این اصل مهم در نظام های سیاسی بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است که خود باید از مجموعه ویژگیها برای تضمین این کارکرد در نظامهای سیاسی برخوردار باشد.

از جمله استقلال قضات و محاکم که در قالب اصل (استقلال قضایی) . اصل دیگری که در بخش قوه قضائیه و حاکمیت قانون، نقش کنترل قضایی در برقراری حاکمیت قانون است. کنترل قضایی به معنای کنترل مصوبات قوه مقننه واعمال ومصوبات قوه مجریه به وسیله محاکم. نظامهای حقوقی - سیاسی که این صلاحیت مهم را برای محاکم به رسمیت شناخته اند، باید از معیارهایی که از ضروریات نظام مبتنی بر حاکمیت قانون شمرده میشوند، برخوردار باشند. در غیر آن صورت بیم آن می رود که دادگاه ها به نهادی ضد حاکمیت قانون تبدیل گردند .

«حاکمیت قانون...»، توضیح است بر پیامدهای سه گانه حقوقی، سیاسی و اقتصادی . پیامده اقتصادی حاکمیت قانون را می توان در سه دسته فراهم شدن زمینه رقابت برابر اقتصادی، مدیریت مالی شفاف (به ویژه در زمینه بودجه)، و اعمال موثر سیاست ها و وسایل نظارتی و کنترلی در امور مالی و کاهش فساد اقتصادی خلاصه کرد.

ضمینه های خوب برای فعالیت اقتصادی به نحومساوی برای همگان تنها از طریق تحقق حاکمیت قانون میسر است «ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه های خاص، مغایر با حاکمیت قانون» شمرده می شود. همچنین یکی از مهمترین مؤلفه های نظام مناسب برای سرمایه گذاری، وجود حاکمیت قانون است .

فوقا متذکرشدم که جهت تحقق حاکمیت قانون بر علاوه موجودیت قانون اساسی وقوانین دیگر، اراده تصمیم تطبیق قانون توسط رهبری وارگانهای زیربط ، داشتن کادرهای مسلکی توسط اروگان مشخص (سارنوالی و سایر ارگانهای زیربط) که بالای همه متخلفین قانون یکسان تطبیق گردد.

بااحترام

عبدالواسع غفاری

www.hoqooq.eu